



پرو، شہسکاه علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی

انگلیسی
اسلامی
ایرانی

مؤسسه تخصصی زبان و معارف اسلامی

موسسه تخصصی زبان و معارف اسلامی

ارزش‌های مطلوب طراحی مسکن از منظر اندیشه اسلام (گامی در مسیر تبیین الگوی اسلامی ایرانی مسکن)^۱

آزینا بلالی اسکویی^۲، صادق نظری^۳

چکیده

امروزه با توجه به بحث پیرامون هویت در معماری معاصر کشور و نیز الزام‌ها و ظرفیت‌های فرهنگ بومی، توجه به دانش (شناخت‌ها) و بینش (فلسفه وجودی) ارزش‌های فرهنگ اسلامی در معماری مسکن به منظور حرکت در جهت تبیین الگوی اسلامی ایرانی ضروری به نظر می‌رسد. به همین دلیل، هدف از پژوهش پیش رو شناخت ارزش‌های رفتاری و اخلاقی فرهنگ دینی در زمینه سکونت و تدوین راهکارهای موثر طراحی جهت کاربست آن در سیاست‌های کلی مسکن کشور به منظور پیشرفت و ارتقاء کیفیت مسکن معاصر می‌باشد. در این راستا، ابتدا برخی از گزاره‌های ارزشی در طراحی خانه از منابع سنت و شریعت، در مسیر مطالعات اسنادی و کتابخانه‌ای استخراج و با استناد به قرآن کریم بیان شده؛ سپس برای استنتاج گزاره‌ها از روش ترکیبی (مرکز از تحلیل محتوای کیفی و استدلال تحلیلی-استنباطی) بهره گرفته و راهکارهای پیشنهادی طراحی ارائه گردیده است.

یافته‌ها نشان می‌دهد که ارزش‌های دینی تأکید بر مهمان‌پذیری خانه، محرمیت خانه و پرهیز از تجمل و اسراف دارد؛ که برای بها دادن به هریک از این اصول و در وصف آنها، گزاره‌های ارزشی نظیر "مهمان حبيب خداست"، "خانه حرم امن است" و "اسراف و تبذیر حرام است" مطرح شده است.

اگر چه این ارزش‌ها به طور عمده در بافت و خانه‌های سنتی ایران حضور و ظهور داشت، اما امروزه در طراحی بسیاری از خانه‌های معاصر غایب و مجهول است. بنابراین فرد مسلمان می‌بایست با بهره‌گیری از اصول اسلامی و تجسم کالبد آن (میش)، انعکاسی از عمل به این ارزش‌ها (کُنیش) را برای ارتقاء کیفیت زندگی خود فراهم آورد.

واژگان کلیدی: مسکن، معماری اسلامی، الگوی اسلامی ایرانی، مهمان‌پذیری، محرمیت، پرهیز از اسراف

۱ این مقاله برگرفته از پایان نامه کارشناسی ارشد نویسنده دوم تحت عنوان "طراحی مجموعه مسکونی ایرانی-اسلامی با رویکرد ساده گرایی (مینیمالیسم)" است که به راهنمایی نویسنده اول در دانشگاه هنر اسلامی تبریز به انجام رسیده است.

۲. آزینا بلالی اسکویی، دانشیار دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر اسلامی تبریز، تبریز، ایران،

a.oskoyi@tabriziau.ac.ir

۳. صادق نظری، دانشجوی کارشناسی ارشد معماری اسلامی، دانشگاه هنر اسلامی تبریز، تبریز، ایران،

sadeghnazari70@yahoo.com

۱. مقدمه و بیان مساله

مسکن به عنوان بستری برای زندگی انسان با سایر ابعاد زندگی او در ارتباط و کنش متقابل است. هر ناحیه از فضای مسکونی باید با توجه به ساختارهای گوناگون خانوادگی و نیازهای مکانی و اجتماعی مختلف ساخته شده و با داشتن ویژگی‌های فضایی و اجتماعی خاص خود، محیطی منحصر به فرد را ارائه نماید. در دهه‌های اخیر به دلیل افزایش تقاضا برای مسکن در ایران، تلاش‌های بسیاری برای تأمین مسکن انجام پذیرفته است؛ اما آنچه که عموماً نادیده گرفته شده، جنبه‌های کیفی بناها در کنار فزونی کمی آن‌هاست. شاخص‌های کیفی مسکن همواره به عنوان حساس‌ترین ابزار برنامه‌ریزی محیط مسکونی محسوب می‌شوند (آصفی و ایمانی ۱۳۹۵).

تعریف صرفاً مادی و نگرش منحصرآ کمی از سکونت به مثابه سقفی بالای سر و چند متر مربع زمین در زیر پا، برداشتی سطحی است و برداشت مفهومی، وجودی و کیفی از سکونت، تعلق خاطر یافتن به مکانی خاص (شولتز ۱۶، ۱۳۸۲)، با معانی فراتر از یک سرپناه و لایه‌های گوناگونی از مضامین و معانی همراه است. بنابراین مطالعه وجوه کیفی مسکن در مسیر فرهنگ اسلامی، برای دانش (شناخت‌ها) و بینش (فلسفه وجودی) ارزش‌های رفتاری و اخلاقی (مَنَش) و چگونگی کالبد یافتن آنها (کُنَش) اهمیت می‌یابد. در واقع هدف از این پژوهش رسیدن به معیارهایی برای تأمین کیفیت مسکن از منظر اندیشه اسلامی در جهت تبیین الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت و کاربست آن در برنامه‌ها و سیاست‌های کلی مسکن کشور است.

سنت و شریعت به واسطه منابع اساسی خود، اصول و مبانی مشخصی را وضع نموده است که در راستای نیل به اهداف نهایی اسلام و نیز تسهیل و نظم بخشی به زندگی مسلمانان وجود آنها ضروری می‌باشد. این اصول که در یک چهارچوب و ساختار اجتماعی منسجم ادغام گردیده‌اند، در غالب یک سری ارزش نمایان شده‌اند (مرتضی ۱۳۸۳، ۱۴۶). در حوزه مسکن و مقوله سکونت نیز، بر مبنای آموزه‌های دینی، ارزش‌هایی تدوین شده است که بهره‌گیری از آنها می‌تواند در راستای تأمین توأمان نیازهای مادی و معنوی، مسلمانان را به کالبد مطلوب برای سکونت رهنمون سازد. به عبارت دیگر

معماری از منظر اندیشه اسلامی در بردارنده اصول و مبانی اساسی با منشاء الهی و آسمانی است که در دل سنت‌ها نمود یافته‌اند. در این نوشتار اعتقاد براین است که اسلام روشی برای زندگی با آرمان‌ها و ارزش‌های والای اجتماعی و نیز بنیان و لازمه حرکت برای وصول پیشرفت مطلوب در جهت تدوین الگویی اسلامی ایرانی در صدد پاسخ‌گویی به نیازهای مادی و معنوی جامعه است.

دست‌یابی به الگویی اسلامی ایرانی مستلزم طی فرآیندی است که مبتنی بر مبانی ارزش‌های اسلامی باشد. در واقع تعالیم دین اسلام، به عنوان کامل و جامع‌ترین دین، در بیان سبک زندگی اسلامی، ارزش‌های رفتاری و اخلاقی و فعالیت‌های اجتماعی خاصی را سفارش می‌کند. انجام برخی از این ارزش‌ها با کالبد مسکن گره خورده و وابسته به کالبد مناسب آن می‌باشد؛ به عبارت دیگر با توجه به ظرف و مظهر معماری در رابطه‌ای دوطرفه، محیط کالبدی به رفتار انسان شکل می‌دهد و هر نوع عمل و رفتار انسانی، محیط کالبدی مناسب خود را می‌طلبد.

مسکن منطبق بر جهان بینی و فرهنگ و انتظام فضایی آن نشان دهنده روابط اجتماعی افراد ساکن در آنهاست. این در حالی است که مسکن امروزی جوامع مسلمان با تاثیر از الگوهای مسکن غیر بومی، فاقد تناسب لازم برای زندگی در سبک اسلامی بوده و هویت اسلامی را به نمایش نمی‌گذارد. در واقع معماری امروز خانه‌های ایرانی در فضاهای مسکن دارای مشکلات بسیاری است که با نگرشی دوباره به ارزش‌های فرهنگ اسلامی می‌توان آنها را برطرف ساخت.

۲. اهداف و پرسش‌های تحقیق

به طور مشخص و روشن هدف از پژوهش پیش رو ضمن شناخت گزاره‌های ارزشی فرهنگ اسلامی در زمینه مسکن بر مبنای سنت و شریعت، ارائه راهکارهای موثر طراحی جهت پیشرفت و ارتقاء کیفی مسکن معاصر می‌باشد.

به عبارت دیگر پژوهش با کدو کاو در مضامین گزاره‌های مستخرج، سعی در تقریب ارزش‌های مطرح شده به الگوی طراحی معماری، جهت تبیین الگوی اسلامی ایرانی مسکن را دارد. در واقع پژوهش حاضر به دنبال پاسخگویی به این سوال اصلی خواهد بود:

راهکارهای طراحی حضور و ظهور گزاره‌های ارزشی فرهنگ اسلامی در مسکن معاصر چیست؟

۳. پیشینه تحقیق

ارزش‌های مطرح شده در باب مسکن و فضای مسکونی با جست‌وجو در کتاب وحی الهی و روایات و احادیث ذکر شده از منابع معتبری چون اصول کافی، میزان الحکمه، بحارالانوار و تفاسیر مرتبط با آنها قابل استخراج است.

از سویی دیگر، از جمله محققانی که در زمینه معماری و شهرسازی اسلامی مطالعاتی داشته‌اند، می‌توان به اندیشمندانی چون هشام مرتضی و بسیم سلیم حکیم اشاره کرد؛ که در بخشی از مطالعاتشان در کتب "اصول سنتی ساخت و ساز در اسلام" و "شهرهای عربی اسلامی" به اصول مختلف معماری مسکن از منظر اسلامی از جمله هویت، حریم و محرمیت و ... اشاره کرده‌اند. همچنین نقره کار در پژوهش‌ها و نظریات خود از جمله در کتاب‌های "مبانی نظری معماری"، "درآمدی بر هویت اسلامی در معماری" و نیز کتاب "برداشتی از حکمت اسلامی در هنر و معماری" به تشریح نسبت اسلام با هنر و معماری پرداخته و به دنبال تعریف جامعی از هویت اسلامی در معماری و شهرسازی است. در حوزه مسکن، مطالعات نقی‌زاده پیرامون ویژگی‌های مسکن مطلوب درخور توجه بوده است؛ ایشان در مقاله‌ای با عنوان "مسکن اسلامی (مبانی نظری تا جلوه‌های عینی در گذشته و حال)" به بیان برخی ویژگی‌های مسکن در متون اسلامی و تطبیق آنها بر وضعیت معاصر مسکن ایرانی پرداخته است؛ و نیز در یکی دیگر از آثار خود با عنوان "شهر و معماری اسلامی، تجلیات و عینیات" به موضوع چگونگی تدوین مبانی نظری طراحی مسکن با توجه به آموزه‌های اسلامی پرداخته است. همچنین حمزه نژاد و صدریان در مقاله‌ای با عنوان "اصول طراحی خانه از منظر اسلامی و الگوهای کاربردی معاصر" با تبیین دو دسته اصول سلبی و ایجابی به دنبال ارائه راهکار و تطبیق یا عدم تطبیق این اصول در مصداق‌های ایرانی و خارجی بوده‌اند. علاوه بر این، سیفیان و محمودی در مقاله‌ای با عنوان "محرمیت در معماری سنتی ایران" پی‌جوی ارائه تعریفی از محرمیت، عوامل موثر بر آن و ریشه‌های شکل‌گیری آن در معماری سنتی بوده‌اند. ناری قمی و عباس زاده نیز در مقاله‌ای با عنوان "مهمان در خانه: یک بررسی تطبیقی میان ایران و غرب در آستانه دوران مدرن" به بررسی الگوی حضور مهمان در مدرنیته با الگوی خانه‌های قاجاری تبریز بر حسب سه نوع مسکن متمایز حداکثری، حداقلی و

اشتراکی پرداخته است؛ و نیز طیف نسبتاً وسیعی از رساله‌های دکتری که در حوزه‌های این مقوله به سرانجام رسیده است؛ اما نمود عملی نتایج آن در معماری مسکن به ندرت مشاهده می‌شود. ولیکن وجه تمایز و بداعت پژوهش حاضر نسبت به مطالعات و پژوهش‌های فوق‌الذکر، به این نحو است که در این نوشتار سعی بر آن بوده با تقریب متن ارزش‌های خارج شده از سنت و شریعت (گزاره‌های ارزشی)، به بیان دیاگرام معمارانه و تدوین جداول تطبیقی، در مسیر بهره‌گیری از اصول و تجسم کالبد آن، راهکارهای موثر طراحی متناسب را ارائه دهیم. به عبارت دیگر برای ظهور و حضور گزاره‌های ارزشی فرهنگ دینی در معماری معاصر لازم است این ارزش‌ها از حالت عام و کلی خارج شوند و به صورت مساله تخصصی تبدیل شوند. در واقع این پژوهش به دنبال شناخت هم‌زمان ادبیات نظری و عملی در باب مسکن در مسیر فرهنگ اسلامی است. گرچه بدیهی است پرداختن به تمامی جوانب این مساله در این مقال و فرصت محدود، میسر نمی‌باشد.

۴. چهارچوب مفهومی پژوهش

۴-۱. مسکن

نگاه جوامع، مذاهب و فرهنگ‌های مختلف به مسکن متفاوت است. در دوره‌ای مسکن به عنوان "ماشینی برای زندگی"، از لوکوربوزیه؛ یا "زدودن پوشش‌ها"، از میس وندروهه مطرح می‌شود. راپاپورت به خانه به عنوان نهادی با عملکردی چندگانه نگریسته و می‌گوید: "خانه بیش از آنکه ساختاری کالبدی باشد، نهادی است با عملکرد چند بعدی"؛ و یا در دیدگاهی دیگر، شولتز که معتقد است: "خانه مکانی است که وقوع زندگی روزمره را در خود گرفته؛ خانه تنها به پدید آوری کیفیت‌های جوی محیط بسنده نکرده و باید خلق و خوی آن فعالیت‌هایی که در درونش جریان می‌یابد را نیز آشکار سازد"؛ یوسف القرداوی شریعت شناس اسلامی، خانه را اینگونه تعریف می‌کند: "مکانی که در آن فرد، ضمن حفاظت از خود در برابر عوامل آب و هوایی، می‌تواند از فشارها و محدودیت‌های جامعه به دور باشد. خانه مکانی است برای استراحت آدمی و آرامش ذهن". تمامی این تعریف‌ها، در یک موضوع واحد اتفاق نظر دارند، که انسان‌ها با ارزش‌ها و دیدگاه‌های

متفاوت به محیط‌های فیزیکی مختلف پاسخ می‌دهند؛ پاسخ‌ها در مکان‌های مختلف با یکدیگر متفاوت‌اند. این تفاوت به معنای فلسفه و جهان‌بینی پیرو شرایط متنوع اجتماعی و فرهنگی در جوامع گوناگون است که از فرد به فرد و جامعه به جامعه متفاوت خواهد بود. به عبارت دیگر معماری به عنوان کالبد اندیشه همواره ابزاری برای بروز جهان‌بینی، نگرش و اندیشه‌های هر ملتی بوده است.

۲-۴. سنت

هنر معنایی، پیوندی دوسویه بین دو جهان برقرار می‌کند؛ این جهان و آنچه در آن است را به جهانی دیگر پیوند می‌دهد. هنرمند با اتصال خود به آن جهان به سرچشمه‌ای پایان نیافتنی دست می‌یابد و خود را از آن سرچشمه سیراب می‌کند. او نمودی از آنچه می‌بیند را در آثارش متجلی می‌سازد. این پیوند دوسویه در مذاهب و یا دین‌های الهی وجود دارد. این راهی است که خداوند برای هدایت انسان و برای او ترسیم می‌نماید. شناخت مسیر و راهی که پروردگار عالم تصویر نموده با کتاب وحی او میسر است. در این کتاب است که خداوند به وسیله کلمات، پیام خود را به انسان‌ها می‌رساند. این کتاب مرزهای مشخصی بین راه الهی و غیر الهی را معرفی می‌نماید. با مراجعه به این کتاب مقدس می‌توان مرز بین دین الهی و غیر الهی را تمیز داد. هنرها نیز می‌توانند منابع الهی و غیرالهی داشته باشند. منابع تغذیه این هنر اگر متصل به او و آیات او باشد و در آیات او نیز به دنبال خداوند باشد، آن را در زمره هنر دینی قرار می‌دهد و اگر جز آن باشد هنر غیر دینی خوانده می‌شود. هم هنر دینی و هم هنر غیر دینی برای انتقال پیام خود نیاز به قالب یا قالب‌هایی دارند. هنرمند با انتخاب یکی از این قالب‌ها پیام خود را به مخاطبش می‌رساند. امروزه هیچ پیامی به هنگام تر از آن حقیقت‌ازلی، از آن پیامی نیست که از سنت می‌آید و مقتضای حال است؛ چرا که همواره مقتضی بوده است (معماریان ۱۳۸۳، ۴۳۷).

ترادیسین در زبان‌های غربی از ریشه لاتینی *tra + dere* به معنی فرادش و انتقال است و سنت در اسلام به سنت پیامبر اشاره دارد که منشا آن قرآن است و می‌بایست در بین مسلمانان فراگیر باشد.

سنت مشخصه وجودی انسان است که در نسل‌ها تداوم پیدا می‌کند، به قدمت خود انسان و قوه سردمی است و در کل هر تمدن اثر می‌گذارد. انسان سنتی در یک تجربه درونی ساحت‌های وجودی عالم را می‌پیماید و رابطه انسان خاکی و عالم قدسی را در این سلسله مراتب می‌توان جستجو کرد

(نصر، ۱۳۷۸). انتقال و مانایی (بسط) خصلت سنت است که ساختاری آموزشی و پرورشی دارد. سنت با این ساختار، ارزش‌های مانا، قابل تداوم و انتقال یک فرهنگ را بسط می‌دهد و به نسل‌های بعد منتقل می‌کند. به عبارت دیگر سنت، فرآیند مستمر انتقال و فرادهدش یک تجربه وجودی و فرا آگاهانه است که در قالب ارزش‌های فرهنگی و فضایل انسانی در نسل‌ها تداوم می‌یابد.

سخن از سنت سخن از اصولی است با منشاء آسمانی و سخن از کاربردشان در مقاطع مختلفی از زمان و مکان. سنت در حدی که اینجا به تعریف آمد، نه خلق و خوی عادت است، نه شیوه‌گذاری یک عصر مستعجل. سنت که ضروری‌ترین عنصرش مذهب است، مادام که تمدن نشات گرفته از آن قوم که این سنت حکم اصل رهنمون را برایشان دارد، پایدارند (معماریان ۱۳۸۳، ۴۳۷).

در جوامع سنتی دانش‌ها از نوع حکمت و متصل به سرچشمه وحی و الهام یا کشف و شهود بوده و در یک فرادهدش مداوم، در صورت آیین‌ها و متون مقدس از نسلی به نسل دیگر انتقال می‌یافته است. اما امروزه، با بروز مشکلات در کشورهای اسلامی، مسلمانان به جای بازگشت به سنت و فرادهدش اصول و مبانی تفکر اسلامی بر یافتن راه حل تمرکز می‌یابند؛ در نتیجه گاه‌ها الگوها، راه حل‌ها و نظرات حاضر و آماده و از قبل تعیین شده جایگزین تفکر اسلامی شده و مورد استفاده قرار می‌گیرد. آنجا که ارزش‌ها، اصول و راهکارهای ارائه شده بر پایه سنت خود (جهانبینی و اعتقادات فرهنگی مان) را به کنار نهاده و روی به تقلید کورکورانه می‌آوریم.

اسلام یک ایدئولوژی پویا و متحرک می‌باشد، که مجموعه‌ای از مفاهیم و باورها را به منظور نشان دادن راهی برای زندگی مسلمانان ارائه می‌دهد؛ منابع شریعت نیز اصول و مبانی اسلام را برای فائق آمدن بر مشکلات مادی و معنوی شرح می‌دهد (اخوت، پمائی، و الماسی فر ۱۳۸۹، ۱۹۷).

در واقع اسلام فقط ایده آلیسم نیست. به این دلیل که علاوه بر اصول و مبانی (دانش و بینش)، راهکار و روش ارائه می‌دهد. اسلام می‌تواند ایده آلیسم را با رئالیسم جمع کند. در نتیجه نیاز است که یک مسلمان طریقه زندگی اش را به عنوان صورتی ایده آل، از آن چیزی که به طور خالص از سنت اسلامی و منابع آن قابل اخذ است جست و جو کند (مَنَش) و با راهکار و روش ارائه شده، آن را به رئالیسم برساند (کُنِش).

۳-۴. الگوی پیشرفت اسلامی ایرانی

الگوهای رایج توسعه از لحاظ مبانی عمدتاً بر پایه اومانیسم و اصول غیر الهی هستند. مهم، لزوم بازشناسی الگوی پیشرفت است؛ بنابراین می‌بایست الگوی پیشرفت بومی خود را متکی بر مبانی اسلامی و فرهنگ ایرانی تعریف و ارائه کنیم. تبیین الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت در همه عرصه‌ها بر مبنای تفکر و اندیشه اسلام است. به عبارت دیگر مبانی اسلام (سنت و منابع شریعت) اساس کار در طراحی این الگو می‌باشد؛ و در تمامی مراحل، این مبانی باید به صورت جامع و دقیق مد نظر قرار گیرد. فلذا لازمه این موضوع تحقیقات اسلامی، ارتباط وثیق و پیوسته با فضاهای تفکر و نیز رسوخ آن در میان نخبگان و گفتمان سازی در جامعه می‌باشد.

همان‌طور که پیش‌تر اشاره شد، شریعت اسلامی به واسطه منابع اساسی خود اصول مشخصی را وضع نموده است که در راستای نیل به اهداف نهایی اسلام و نیز تسهیل و نظم بخشی به زندگی مسلمانان وجود آنها ضروری می‌باشد. این اصول که در یک چهارچوب و ساختار اجتماعی منسجم ادغام گردیده‌اند؛ در قالب یک سری ارزش (مَنِش) نمایان شده‌اند. اما این ارزش‌ها بایستی به گونه‌ای عملی در محیط کالبدی زندگی مسلمانان پیاده گردد (کُیش)، تا بتواند آن گونه که شایسته است بر روش زندگی مسلمانان اثر بگذارد.

به عبارت دیگر، قرآن و سنت حاوی گزاره‌های ارزشی است که می‌تواند مجموعه‌ای از مَنِش‌ها را، به عنوان راهنما و چارچوب برای طراحی و معماری مسکن، در اختیار مسلمانان قرار دهد. اسلام مَنِش طراحی خانه را بیان می‌دارد. مَنِشی که از اصول و بنیان‌های اسلامی به دست می‌آید. این مَنِش‌ها به عنوان شیوه‌ی زندگی مطرح می‌گردد و اصولی را جهت زندگی فرد مسلمان و روابط وی با محیط اجتماعی و مادی و به عبارت دیگر شیوه‌ی زندگی مسلمانان را تعیین می‌نماید؛ و اگر خانه ظرف زندگی انسان در نظر گرفته شود، معماران باید براساس ارزش‌هایی که اسلام به عنوان شیوه زندگی برای مسلمانان پیشنهاد داده است، عمل کنند (کُیش).

نکته حائز اهمیت در مورد الگوی مسکن، پیچیدگی خاص این بنا به دلیل ارتباط پیوسته با زندگی انسان هاست؛ چرا که این بنا در ارتباط با نیازهای متغیر آدمی و در جهت پاسخگویی به آنها به وجود می‌آید. بر همین اساس لازم می‌نماید تا در هر برهه‌ای از تاریخ براساس نیازها و خواست‌های آن زمان

اقدام گردد. به عبارتی، همانطور که یک سوی خانه وابسته به ارزش‌ها و اصول منبعث از اسلام است؛ سوی دیگر آن وابسته به خواست‌ها و نیازهای کاربران آن - که همانا مسلمان معاصر است - می‌باشد. به عبارت دیگر مسکن مسلمانان براساس نیازهایشان دارای دو بعد است: یک بعد او به سمت نیازهای معنوی (بعد ارزشی)، و بعد دیگر او به سمت نیازهای مادی (بعد کالبدی) حرکت می‌کند. در واقع تعمیم هر نوع الگویی به مسکن معاصر بدون در نظر گرفتن الزام‌ها و ظرفیت‌های فرهنگ بومی و نیازها و خواسته‌های مسلمانان، کاری عبث و بیهوده خواهد بود.

۵. روش تحقیق

برای هرچه بهتر پرداختن به مساله پژوهش در مسیر رسیدن به پاسخ سوال، با توجه به بستر کیفی پژوهش از روش ترکیبی استفاده شده است. به نحوی که ابتدا سه گزاره ارزشی در طراحی خانه از منابع سنت و شریعت، در مسیر مطالعات اسنادی و کتابخانه‌ای و مرور نوشتارهای تخصصی گردآوری و هرکدام با استناد به قرآن کریم بیان شده‌اند؛ سپس برای استنتاج گزاره‌ها از روش ترکیبی (مربک از تحلیل محتوای کیفی و استدلال تحلیلی - استنباطی) بهره گرفته‌ایم. به عبارت دیگر برای کندو کاو بهتر، مضامین گزاره‌ها را به صورت سلسله مراتبی مورد تحلیل و بررسی قرار داده و با ترسیم دیاگرام‌های معمارانه و جداول تطبیقی به روش تحلیلی - استنباطی سعی در تقریب ارزش‌های مطرح شده به الگوی طراحی معماری داشته‌ایم. در نهایت برای هریک از گزاره‌های مورد بحث، مدل مفهومی مبتنی بر دو بعد ارزشی و کالبدی در چهارچوب معیارهایی برای تدوین راهکارها ترسیم شده و در خاتمه با توجه به مدل مفهومی، راهکارهای موثر پیشنهادی طراحی در جدولی ارائه گردیده است.

۶. یافته‌های تحقیق

با توجه به سنت و شریعت اسلامی در حوزه مسکن و مقوله سکونت و نیز با نگاهی به چالش‌های روابط اجتماعی و نوع سبک زندگی القایی در جامعه امروز، سه ارزش "مهمان حبیب خداست"، "خانه حرم امن است" و "اسراف و تبذیر حرام است" به عنوان گزاره‌های ارزشی طراحی خانه، برای ادامه پژوهش در نظر گرفته شده است که در این مقال در مسیر رسیدن به پاسخ سوال اصلی پژوهش سعی در تقریب ارزش‌های مطرح شده به الگوی طراحی معماری داشته‌ایم؛ به عبارت دیگر در پایان

استنتاج هر گزاره، مدل مفهومی مبتنی بر دو بعد ارزشی و کالبدی در چهارچوب معیارهایی برای تدوین راهکارها به عنوان پاسخ هر گزاره ارائه شده است؛ با این امید که توجه و بهره‌گیری از این اصول می‌تواند گامی در مسیر پیشرفت الگوی اسلامی ایرانی در مسکن معاصر باشد.

مهمان حبيب خداست

عبارات زیر ما را به تفاوت ایدئولوژی در مرزهای فرهنگی و مرزهای معماری نزدیک می‌نماید:

"خانه یک انگلیسی قلعه اوست."

"به خانه من (مسلمان) خوش آمدی. خانه من خانه توست."

این دو عبارت از دو فرهنگ متفاوت اخذ شده است. نخست ویژگی اصلی خانه در فرهنگ یک انگلیسی که آن را مانند یک قلعه تعریف می‌نماید. این قلعه دارای یک قلمرو مشخص، با دیوارهای حفاظتی و برج‌های دیده بانی است. آن را برای حفاظت و امنیت بیشتر ساکنین آن می‌سازند. نفوذ به این برج‌ها بسیار سخت است و حریم خصوصیتش بر همه چیز آن حاکم است. خانه امروز یک انگلیسی ترجمه خوبی از این عبارت است. انگلیسی‌ها بر خلاف دیگر سرزمین‌های اروپایی به خانواده چند خانواری علاقه چندانی نداشته و تمایل به یک چهار دیواری جدا و مستقل برای سکونت خود دارند (معماریان ۱۳۸۴، ۳۹۰).

این نحو تحقق جایگاه مهمان در برخی فرهنگ‌ها تا حد زیادی تبیین‌گر وضع واقعی است و پست ریورز (انسان‌شناس فرهنگی) این جنبه تقابل را امر پنهان مندرج در هنجار "مهمان‌پذیری" در تاریخ فرهنگ غرب دانسته؛ امری که با استناد به ریشه لغوی واحد میان host (میزبان) و hostility (تجاوز) نیز مورد تأکید دیگران قرار گرفته است.

همچنین می‌توان موضوع را با دیدگاه آلتمن - به عنوان نمونه‌ای از فرهنگ غربی - مقایسه کرد که مهمان ناخوانده را تجاوزی جدی به حوزه خلوت می‌داند (آلتمن ۱۳۸۲، ۱۵۰).

جمله دوم ویژگی‌های رفتاری یک مسلمان را نشان می‌دهد. جمله با خوش آمدگویی آغاز می‌گردد. چیزی که در سزمین‌های شرقی و بخصوص کشورهای مسلمان دیده می‌شود. در ادامه جملات، میزبان خانه خود را به مهمان تقدیم می‌کند. این تقدیم نشان تقدیم احترامات است و نه ملکیت خانه

(معماریان ۱۳۸۴، ۳۹۰). در اینجا لازم است بیان شود که مسلمانان نیز قائل به حریم خصوصی و شخصی هستند؛ اما به وضوح برداشت می‌شود که حریم شخصی مسلمان به معنی حوزه تدافعی وی در مقابل جامعه نیست؛ بلکه به عکس، دستورهای دینی گاه مومن را ملزم به پذیرش دیگران در این حوزه و حتی شریک کردن آنان در اموال خود می‌کند (ناری قمی و عباس زاده ۱۳۹۳).

"راپاپورت" نویسنده جملات بالا هدف خاصی را دنبال می‌کند. او می‌گوید که ارزش‌ها و الگوهای رفتاری می‌توانند در کالبد بنا دیده شوند. راپاپورت به خانه به عنوان نهادی با عملکردی چندگانه نگریسته و می‌گوید: "خانه بیش از آنکه ساختاری کالبدی باشد، نهادی است با عملکرد چند بعدی. از آنجا که ساخت خانه خود امری فرهنگی - اجتماعی است، شکل و سازمان آن نیز طبیعی است که متأثر از فرهنگ و ارزش‌هایی باشد که خانه محصول آن است." از گذشته‌های بسیار دور خانه برای انسان چیزی بیش از سر پناه بوده و جنبه‌های معنوی و مذهبی در همه مراحل ساخت خانه تا استقرار در آن و استفاده از آن به صورت کامل مشهود بوده است. به اعتقاد او عامل فرهنگ، در درک انسان‌ها از جهان و حیات که شامل اعتقادات مذهبی، ساختار اجتماعی قبیله و خانواده، روش زندگی و همچنین شیوه اجتماعی افراد است، نقش موثری در مسکن و سازمان تقسیمات فضایی آن داشته است (معماریان ۱۳۸۴، ۳۹۰).

مهمان‌پذیری

هر جامعه‌ای به تناسب فرهنگ خویش تمایل دارد تا در فضاهای مختلف زیست و فعالیت خویش، آداب و رسوم و فعالیت‌های خاصی را برپا دارد. برای نمونه در سنت اسلامی و فرهنگ ایرانی یکی از مهم‌ترین آداب سفارش شده صله رحم است. در قرآن کریم، بخشی از مفاهیم آیات ۲۴ تا ۲۷ سوره ذاریات^۴ به اصل مهمان‌نوازی، این ارزش و اخلاق اجتماعی اشاره دارد. آنجا که خداوند می‌فرماید:

"آیا داستان میهمان‌گرمی ابراهیم به تو رسیده است؟"

دین اسلام مهمان‌نوازی را برای حفظ روابط مستحکم خانوادگی، همسایگی و اجتماعی بسیار ترغیب می‌نماید. دید و بازدید، پیوند بین مردم را تقویت می‌کند و در زندگی اجتماعی از ارزش والایی

۴. هَلْ أَتَاكَ حَدِيثُ ضَيْفِ إِبْرَاهِيمَ الْمُكْرَمِينَ (۲۴) إِذْ دَخَلُوا عَلَيْهِ فَقَالُوا سَلَامًا قَالَ سَلَامٌ قَوْمٍ مُنْكَرُونَ (۲۵) فَرَأَى إِلَى أَهْلِهِ فَجَاءَ بِعِجْلٍ سَمِينٍ (۲۶) فَقَرَّبَهُ إِلَيْهِمْ قَالَ أَلَا تَأْكُلُونَ (۲۷)

برخوردار است. بنابراین در حوزه عمومی خانه وجود مکان‌هایی برای پذیرایی از مهمانان ضروری است. این ضرورت از تکلیف حفظ روابط قوی با اعضای جامعه (یعنی همسایگان، دوستان و خویشاوندان غیر ساکن) نشأت می‌گیرد (مرتضی ۱۳۸۳، ۱۴۶)؛ که در چهارچوب ملاقات‌های غیر رسمی، دید و بازدید دوستان و برپایی مهمانی‌های خانوادگی جلوه‌گر می‌شود.

این چهارچوب با تاکید بر دو مفهوم "دوری" به معنای ایجاد فاصله و کاستن وجوه ارتباطی با سایر انسان‌ها و "نزدیکی" به معنای ایجاد امکان بیشتر برای تعامل با سایرین و نیز چگونگی امکان وقوع آنها در محیط، نسبت به ارائه رویکردی انسان‌شناسانه اقدام می‌نماید.

در بدو امر، چنین به نظر می‌رسد که تمام دیالکتیک‌های اجتماعی خانه در میانه دو مفهوم "خود" (نزدیک) و "غیر خود" (دور) شکل گرفته است که از طریق مفاهیم دوگانه "درون" و "بیرون" با کالبد پیوند می‌یابد. با این تعبیر موضع مهمان نسبت به کالبد با تعیین نسبت دیالکتیکی "فرد" با حد نهایی "خود" و "غیر خود" و به تبع آن با تعیین نسبت کالبدی این جایگاه با دو سوی طیف "درون" و "بیرون" مشخص خواهد شد (ناری قمی و عباس‌زاده ۱۳۹۳).

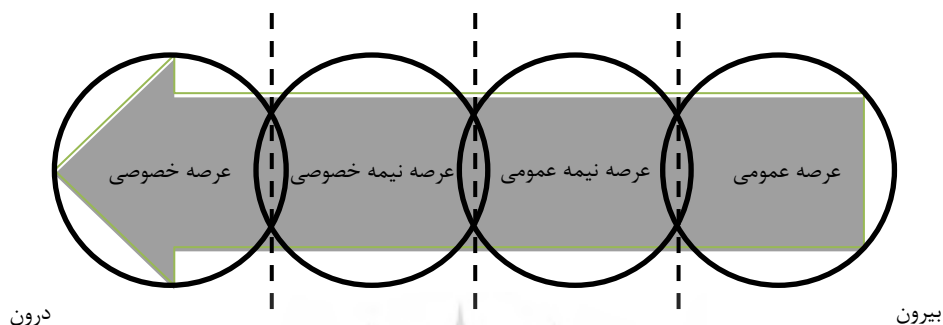
اما نکته مهم در بحث جایگاه مهمان، بر اساس قاعده واقعی تفکیک، یعنی قاعده کلی فرهنگ اسلامی در باره "مرزبندی حریم‌های شخصی" است. اینجاست که دیالکتیک بین "خود" و "غیر خود" تضعیف شده و بحث حریم‌های شخصی در زندگی قوت می‌گیرد.

در واقع با وجود اینکه اسلام پذیرایی از مهمانان را امری پسندیده می‌داند، اما به رعایت حریم آن نیز سفارش کرده است.

مهم‌ترین مکان‌هایی که نبایستی در معرض دید میهمانان باشد، آشپزخانه و اتاق نشیمن است. زیرا دیگر اعضای خانواده معمولاً اکثر وقت خود را در این فضاها می‌گذرانند. بنابراین محل قرار گرفتن این قسمت‌ها در خانه بایستی به گونه‌ای باشد که اعضای خانواده به راحتی بتوانند به امور مربوطه بپردازند (مرتضی ۱۳۸۳، ۱۴۷).

به عبارت دیگر، اسلام با به رسمیت شناختن و تقویت مفهوم ارتباط خانوادگی، تمام انسجام اجتماعی در ورای خانواده را تداوم منطقی از همان معرفی و ترویج می‌کند؛ درواقع حریم شخصی مومن به

معنی حوزه تدافعی وی در مقابل پذیرش مهمان نیست بلکه "غیر خود" در موضعی نزدیک به "خود" تصور می‌شود؛ که پذیرایی از او به عنوان هدف تکلیفی همان معنای پذیرایی از خود را دارد که لزوماً ملال‌آور و ناخشنودکننده نیست (ناری قمی و عباس‌زاده ۱۳۹۳). بنابراین نوع رفتار و کنش‌های انسان با محیط و حفظ حریم‌های خصوصی یک ارتباط دوطرفه است.



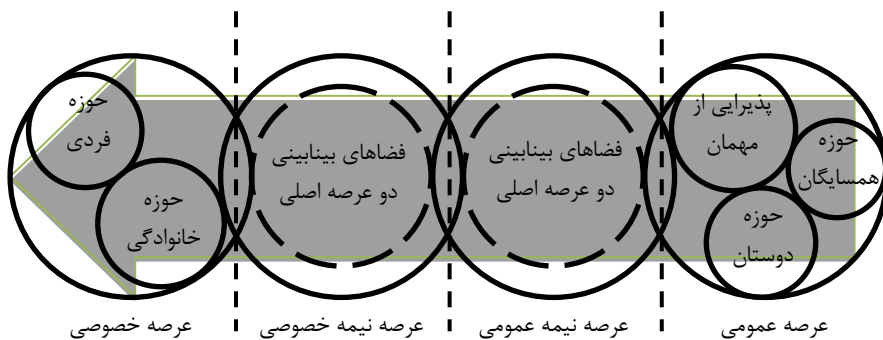
دیگرام ۱- الگوی تقسیم عرصه‌های فضایی مسکن (منبع: نگارندگان)

محققین مختلفی در جهت رعایت اصول ارتباط و حریم شخصی با افراد مختلف، الگوی تقسیم فضایی مسکن را به گونه یک الگوی کلی چهارگانه، در قالب چهار عرصه عمومی، نیمه عمومی، نیمه خصوصی و خصوصی مطرح کرده اند.

حوزه‌های این دسته‌بندی چهارگانه مذکور به این شرح می‌باشند که:

عرصه عمومی: حوزه همسایگان، دوستان که شامل مجموعه ورودی، فضاهای منتهی به ورودی، فضای پذیرایی از مهمان و به طور کلی روابط با افراد نامحرم است.

عرصه خصوصی: حوزه اعضای خانواده است، از قبیل آشپزخانه و هال خصوصی که امکان دورهم بودن‌های خصوصی را فراهم می‌آورد. همچنین حوزه زندگی خصوصی و فردی شامل اتاق‌های خواب و حمام که شرایط لازم برای زندگی شخصی افراد خانواده را فراهم می‌کند؛ که این عرصه به منظور حفظ خلوت مطلوب، دور از عرصه عمومی طراحی می‌گردد و ارتباطی بین اعضای خانواده و عرصه عمومی وجود ندارد.



دیاگرام ۲- سلسله مراتب فضایی و رفتاری مسکن (منبع: نگارندگان)

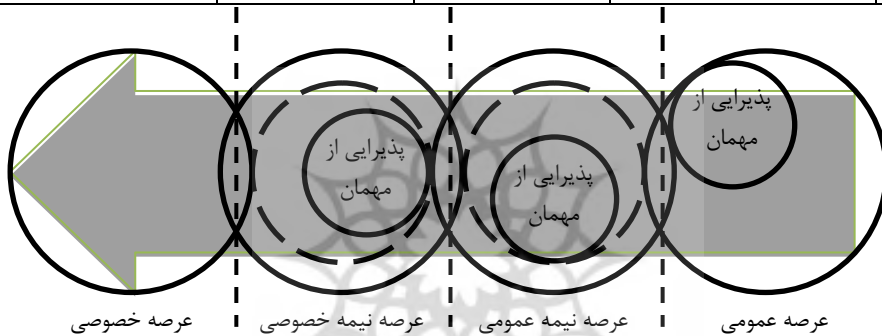
عرصه نیمه عمومی و نیمه خصوصی: فضاهای بینابینی دو عرصه اصلی را شامل می‌شوند؛ که بسته به اینکه در ترکیب با کدامیک از عرصه‌های عمومی یا خصوصی قرار گیرند تقسیم و تفکیک می‌شوند. تفکیک فضاهای خانه به بیرونی و اندرونی از مختصات عالم اسلام و به ویژه خانه در فرهنگ ایرانی است و از بابت ضرورت وجود آن تمایزی میان خانه‌های بزرگ و کوچک نیست، بلکه تفاوت در کیفیت و نوع متفاوت وقوع آن است (ناری قمی و عباس زاده ۱۳۹۳).

الکساندر عنوان می‌کند فضاهای داخلی و خارجی یک ساختمان را به نحوی طراحی کنید که با یک ورودی شروع شود و به عمومی‌ترین بخش آن برسد و به حریم‌های خصوصی و بالاخره به خصوصی‌ترین مناطق برسد (الکساندر ۱۳۸۹، ۳۰۸). در این صورت بنابر حفظ حریم‌های شخصی افراد، ملاقات با مهمان مورد پسند خواهد بود.

در اینجا سه نوع ارتباط، در چهارچوبی که پیش‌تر ذکر شد را، با توجه به محدوده و عرصه ارتباط در رابطه با حریم‌های شخصی در نظر می‌گیریم:

جدول ۱- ارتباط با مهمان (منبع: نگارندگان)

مکان بروز ارتباط	عرصه ارتباط	محدوده ارتباط	نوع ارتباط	ارتباط با مهمان
فضای ورودی (فضای سلام و خداحافظی)	عرصه عمومی	زندگی اجتماعی ^۵	ملاقات سریع و غیر رسمی	
پذیرایی (هال عمومی)	عرصه نیمه عمومی	زندگی میانی ^۶	دید و بازدید دوستان	
نشیمن (هال خصوصی)	عرصه نیمه خصوصی	زندگی میانی	مهمانی خانوادگی	



دیاگرام ۳- حضور مهمان در عرصه‌های فضایی مختلف (منبع: نگارندگان)

با توجه به جدول بالا، فضا یا مکان بروز ارتباط، متناسب با محدوده و عرصه ارتباط در رابطه با حریم‌های شخصی، نتیجه‌گیری شده است. در واقع بسته به نوع محرمیت با مهمان در ترکیب با فضاهای بینابینی، این فضا می‌تواند در سه عرصه عمومی، نیمه عمومی و نیمه خصوصی تجلی پیدا کند.

تخصیص فضایی مجزا برای پذیرایی از مهمانان و زکات دانستن اتاق مهمان برای خانه، نشان می‌دهد که اگرچه ممکن است مدت طولانی از سال، این اتاق مورد استفاده نباشد، اما اسلام آن را از مصادیق اسراف ندانسته و بعکس آن را مستوجب پاداش معنوی می‌داند. گرچه همواره تلاش برای تظاهر و تفاخر در مقابل مهمان با استفاده از تجملات، بر حسب مواضع دیگر روایی، کاملاً مردود و مطرود است

۵ در بخش بعد توضیح داده می‌شود.

۶ در بخش بعد توضیح داده می‌شود.

(ناری قمی و عباس زاده ۱۳۹۳).

اما وجود فضایی با هویت و نام خاص برای مهمان در قیاس با فضاهای چند منظوره در معماری ایرانی، بحث انعطاف پذیری فضاها را طرح میکند. با توجه به مشکلات زمین و جمعیت در عصر معاصر، در واقع فضای مهمان می‌تواند همان فضای زندگی جمعی خانواده باشد؛ توسط اعضای خانواده در روزمره مورد استفاده قرار بگیرد و هنگامی که مهمانی بر خانه وارد شد این فضا برای پذیرایی از مهمان اختصاص یابد. بر این مبنا در نقشه یا پلان فضاها نام گذاری خاصی ندارند ولی معمار و خانواده، می‌بایست فضایی برای این منظور در نظر بگیرند.

الف. مهمان در عرصه عمومی

توجه به حریم از همان ابتدا، در فرم مجموعه ورودی و تجهیزات الحاقی به آن دیده می‌شود. به عبارت دیگر حریم درجه اول از درب ورودی خانه شروع می‌شود. در معماری گذشته ایرانی از عناصر مهم نظام ورودی، فضای هشتی است که گاهی از آن برای پذیرایی موقت از مهمانی استفاده می‌شود که به اتاق پذیرایی دعوت نشده است.

امروزه توجه و دقت به طراحی فضای سلام و خداحافظی در مسکن معاصر ضروری به نظر می‌رسد. بنابراین می‌توان با طراحی ورودی‌ای که دید و منظر مستقیم به داخل فضاهای دیگر ندارد، به این نیاز پاسخ داد.

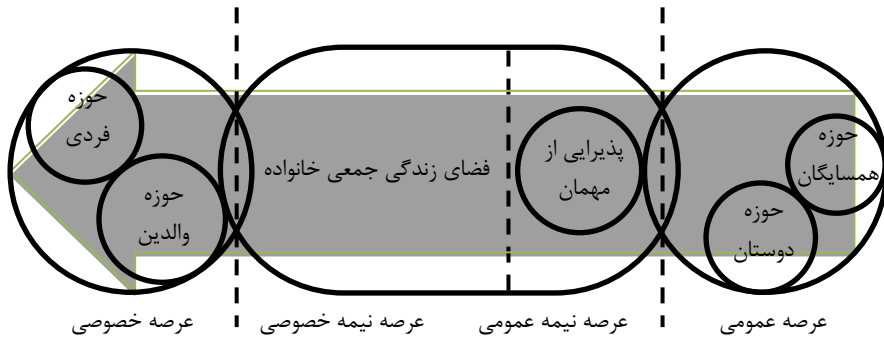


دیاگرام ۴- ملاقات سریع و غیر رسمی - فضای سلام و خداحافظی (منبع نگارندگان)

ب. مهمان در عرصه نیمه عمومی

در این الگو، یک فضا می‌تواند در حجم یک فضای بزرگتر محدود شود؛ و در مواقع نیاز با ایجاد موانع

کالبدی می‌توان آنها را به صورت فضای مجاور هم درآورد، به صورتی که با هم مرز مشترک داشته باشند.



دیاگرام ۵- دید و بازدید دوستان- هال عمومی (منبع: نگارندگان)

بنابراین فضاهای بینابینی می‌توانند همزمان نقش جداکننده و متصل کننده فضاها را داشته باشند. به عبارت دیگر، تغییرپذیری امکان افزایش و کاهش کمی یا تفکیک و تجمیع فضاهای بینابینی را فراهم می‌سازد. در واقع در هنگام حضور مهمان در محدوده نیمه عمومی، قابلیت تغییر اندازه در فضای جمعی زندگی خانواده، کوچک‌تر شدن آن و اختصاص بخشی از آن به مهمانان میسر است، تا بتوان به شرایط فضایی جدید برای پاسخ گویی به نیاز ساکنان و هماهنگی و سازگاری با زندگی آنها دست یافت.

ج. مهمان در عرصه نیمه خصوصی

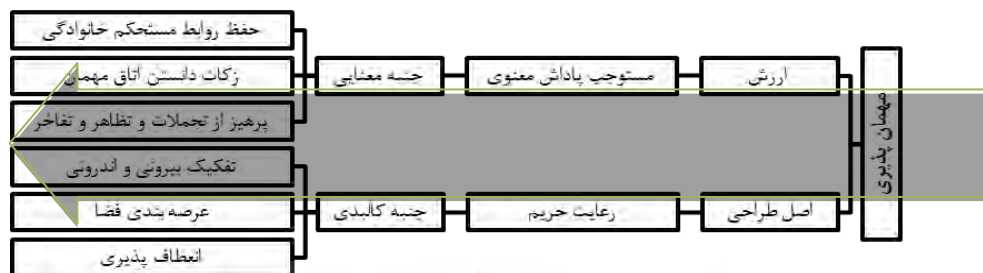
در این الگو، فضای مهمان همان فضای زندگی جمعی خانواده می‌باشد.



دیاگرام ۶- مهمانی خانوادگی- هال خصوصی (منبع: نگارندگان)

باتوجه به آنچه که بیان گشت، ضرورت لزوم طراحی تقسیم فضایی خانه به صورت تفکیک بیرونی و

اندرونی، الگوی چهار گانه سلسله مراتب فضایی و رفتاری و ایجاد موانع کالبدی بارز و تغییرپذیر بین این دو حوزه می‌تواند پاسخی به این نیاز باشد. در واقع وجود الگوی تقسیم بندی فضایی مسکن، اصول ارتباط و حریم شخصی در قالب این چهار لایه است که منجر به پیدایش فضای مفصل یا ایجاد موانع کالبدی برای مهمان می‌شود.



نمودار ۱- مدل مفهومی مهمان پذیری (منبع: نگارندگان)

تلفیق دو اصل مهم یعنی عرصه بندی محارم و عزیز نگاه داشتن مهمان از مواردی است که می‌تواند پاسخ به این دو نیاز شاید متناقض باشد. بدین ترتیب در عین حرمت و احترام میهمانان حریم اهل خانه حفظ می‌شود و زندگی خانوادگی مختل نمی‌گردد و باعث افزایش آرامش و تعادل روانی می‌شود.

حال در ذیل بر اساس آنچه که مورد واکاوی قرار گرفت، راهکارهای طراحی مسکن از دید مهمان پذیری را بیان می‌کنیم:

جدول ۲- راهکارهای طراحی مسکن از دید مهمان پذیری (منبع: نگارندگان)

تفکیک فضاهای عمومی و خصوصی درون خانه	تفکیک بیرونی و اندرونی	کالبدی	مهمان پذیری
طراحی فضای سلام و خداحافظی			
عدم باز شدن درب ورودی به محل نشیمن			
عدم دید مستقیم از ورودی به فضاهای داخلی			
طراحی فضایی با هدف ایجاد چرخش در ورودی‌ها	عرصه بندی فضا		
مرزبندی عرصه‌های عمومی؛ نیمه عمومی؛ نیمه خصوصی و خصوصی			

سال ششم، شماره یازدهم، بهار و تابستان ۱۳۹۷

سازماندهی ارتباط مطلوب بین عرصه‌ها	انعطاف‌پذیری		
عدم تداخل عملکردها			
طراحی مناسب مسیرهای رفت و آمد			
طراحی فضاهای چند منظوره			
تغییر پذیری فضاها			
هماهنگ شدن فضا با شرایط جدید مورد نیاز (انفصال و اتصال فضایی)			
موانع متحرک باز و بسته شونده			
مبلمان نرم و سبک			
امکان ترکیب متنوع اجزای داخلی خانه			
امکان انجام فعالیت‌های متنوع			
توجه به قلمرو خصوصی	معنایی		
حفظ روابط			
مستحکم خانوادگی			
حرمت و احترام به مهمان			
تامین شرایط آسایش مهمان			
زکات دانستن اتاق	مهمان		
تخصیص فضایی مجزا برای مهمان			
در حوزه عمومی خانه			
عدم استفاده از مصالح تجملاتی و گران قیمت	پرهیز از تجملات و تظاهر و تفاخر		
عدم استفاده از مبلمان و عناصر تجملاتی			
توجه به وجه باطنی مواد و مصالح			

خانه حرم امن است

در هر فضا و کالبدی که انسان سکونت می‌گزیند، خواه یا ناخواه نیازمند شکل‌گیری عرصه‌هایی محرم، مصون، امن و آرام است. تاکید اسلام بر محرمیت و حجاب سبب شده که این مشخصه بر تمامی ابعاد اجتماعی و فرهنگی اثر گذارد. بر همین اساس است که اصل محرمیت در شهرسازی و

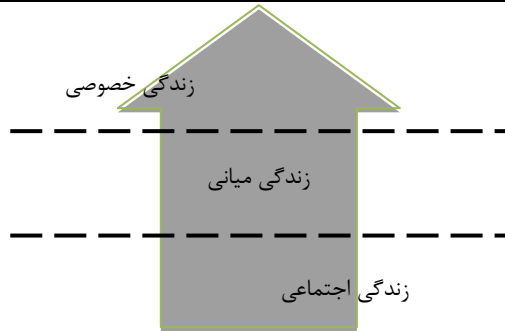
معماری اسلامی از کلان‌ترین فضاهای شهری تا ریزترین فضاهای معماری را مورد تاثیر خویش قرار داده است (سیفیان و محمودی ۱۳۸۶)؛ و در معماری مسکن نه تنها ضوابطی را علاوه بر ضوابط دیگر بر طراحی مسکن اعمال کند، بلکه به عنوان مهم‌ترین معیارهای ساخت قلمداد شود.

از نظر لغوی، واژه حریمیت در لغت نامه دهخدا از ریشه ی "ح ر م" (حرم-حریم-حرمت-احترام) است، که با واژگانی چون محرم (کسی که اذن دخول در حرم و خانه شخصی را دارد، خویش، خویشاوند) یا حریم (پناهگاه، خانه شخص و اطراف آن که از تعرض دیگران در پناه است) تعریف می‌شود.

اما در معماری غرب مفهوم حریمیت از زاویه security و privacy به گونه‌ای کمرنگ‌تر و البته با منظور دیگری مطرح است. در واقع مفهوم حریمیت بیشتر در قالب امنیت خصوصی افراد قابل پیگیری است و خصوصا تا پیش از دوران مدرن و حتی در پاره‌ای از بناهای دوران مدرن با عملکرد گرایایی خاص خود به چشم می‌خورد. ولیکن در معماری معاصر غرب و با ظهور سبک‌های نو از جمله دیکانستراکشن و فولدینگ و غیره با حذف سلسله مراتب و با هدف شکل‌دهی سیالیت فضایی این بخش از حریمیت نیز تا حدود زیادی کمرنگ شده است (سیفیان و محمودی ۱۳۸۶).

بی شک وجود انسان داری دو بعد است؛ بعد فردی و بعد جمعی؛ و لذا انسان دارای دو نوع زندگی خصوصی و اجتماعی با ویژگی‌ها و آداب و مقررات مخصوص به خود می‌باشد. قیود ویژه و شرایطی که انسان در محیط اجتماعی ملزم به رعایت آن است در محیط خصوصی از آن برداشته می‌شوند و به نوعی آزادی در حریم خصوصی خود به دست می‌آید (سیفیان و محمودی ۱۳۸۶). در واقع تغییر شرایط انسان‌ها در فضاهای اجتماعی و خصوصی به واسطه تمایز ذاتی این دو محیط است.

مفهوم حریمیت و حریم در اسلام به معنای مرز بندی زندگی خصوصی از تعاملات اجتماعی است که با هدف تامین امنیت خانواده صورت می‌گیرد (نیری فلاح، خلیلی، و رسدی ۲۰۱۳). به عبارت دیگر می‌توان عنوان داشت حریمیت نوعی امنیت حاصل از استقلال زندگی خصوصی مسلمانان از زندگی اجتماعی آنهاست. این امنیت ریشه در حرمت حریم خانواده‌ها و اهمیت خلوت‌گزینی دارد.



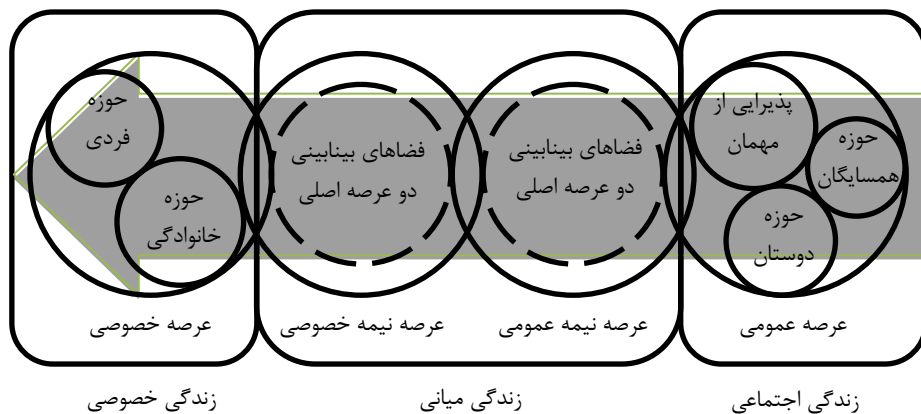
دیاگرام ۷- لایه‌های تعاملات انسانی (منبع: نگارندگان)

محرمیت

اولین کارکرد خانه تامین آرامش جسم و تسکین جان اعضای آن است، که البته مرهون امنیت همه جانبه این محیط برای اعضای خانواده است. فضای محدود و امن خانه (محل محرم) برای ابراز احساسات، بیان اسرار، ارضای غرایز و تامین نیازهای جسمی و روحی انسان است.

محیط مصنوع و اجزای آن با توجه به ارزش فعالیت‌هایی که درون آن انجام می‌شود، کسانی که در آن حضور دارند و ارتباطشان با سایر اجزا همجوار، هر یک موقعیت و ویژگی خاصی را دارا می‌باشند؛ که این ویژگی‌های خاص به خصوصیات کالبدی و نمادین فضاها متوالی و مجاور مربوط می‌شود. در شکل‌گیری یک بنای معماری، اصل سلسله مراتب سبب شکل‌دهی به قلمروهای فضایی با کارکردهای متفاوت می‌گردد و حریم بندی فضاها را شکل می‌دهد (سیفیان و محمودی ۱۳۸۶). به عبارت دیگر مهمترین ثمره آن محرمیت و شکل‌گیری حریم‌های فضایی و تفکیک قلمروهای متفاوت با وجود پیوستگی فضایی است (اردلان و بختیار ۱۳۸۵).

با وجود اینکه سلسله مراتب در ذات خود نشان از مرز بندی دارد؛ نکته بسیار مهم در ارتباط با آن پیوستگی فضایی است. یعنی هیچ‌گاه فرد نیاز به خارج شدن از محیط موجود و معین ندارد؛ زیرا ساختمان در تار و پودی پیوسته و متراکم ترکیب شده است.



دیاگرام ۸- الگوی سلسله مراتب فضایی و رفتاری مسکن (منبع: نگارندگان)

حال می‌توانیم دیاگرام سلسله مراتب فضایی و رفتاری مسکن که پیش‌تر بیان شده بود را به صورت کامل‌تری ارائه کنیم.

بنابراین می‌توان گفت محرمیت یکی از مهم‌ترین تجلیات کالبدی رعایت سلسله مراتب می‌باشد و با بهره‌گیری از این اصل است که شاهد شکل‌گیری ارزش‌هایی پایدار همچون امنیت آرامش و خلوت خواهیم بود.

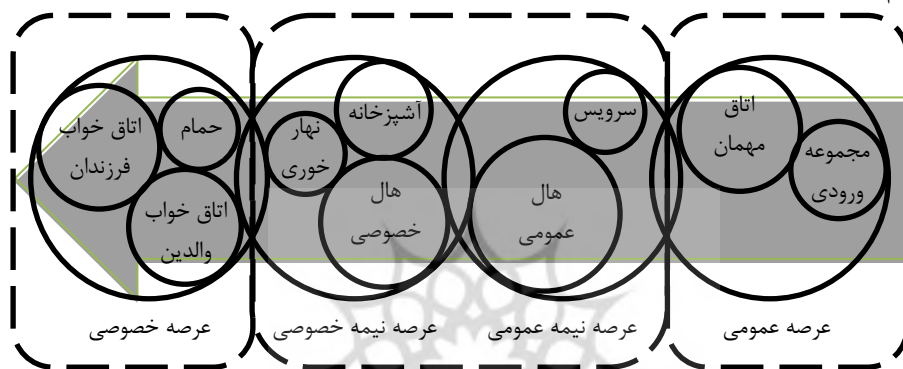
سلسله مراتب فضایی با همه ویژگی‌های مطلوب آن در بسیاری از نمونه‌های مسکن موجود در بافت‌های تاریخی شهرهای مسلمین و شهرهای ایرانی قابل مشاهده است که متأسفانه با ورود الگوها و فرم‌های وارداتی و بیگانه در معماری معاصر به سرعت به ضعف گراییده و این در حالی است که مردم غالباً از ضعف یا فقدان آن در رنجند (نقی‌زاده ۱۳۷۹).

دست‌یابی به سلسله مراتب مورد نیاز پاسخگویی به ارزش‌هایی چون امنیت، محرمیت، آرامش و خلوت می‌باشد (حکمت سلسله مراتب).

با تدبر و تدقیق در قرآن کریم، آیات مرتبط با حریم و محرمیت را می‌توان در دو دسته تقسیم‌بندی کرد، که هرکدام از آنها ناظر و متوجه به یک اصل طراحی‌اند.

تفکیک بین بیرون و درون و همچنین انحراف دید در ورودی برای ایجاد مفهوم حریمیت می‌باشد. از خصوصیات خانه‌سازی اسلامی از این قرار است که ورودی خانه‌ها رو به داخل باز می‌شوند؛ برخلاف خانه‌های غیر اسلامی و عربی؛ که ورودی آنها از داخل رو به خارج قرار دارند. این امر حاکی از آن است که خانه مملکت فرد به شمار می‌رود و در آن جاست که خصوصیت حرمت و اسرار محفوظ می‌ماند (معماریان، هاشمی، و کمالی پور ۱۳۸۹).

ب- حریم بین اعضای خانواده:



دیاگرام ۹- چیدمان داخلی فضاها در عرصه‌های فضایی مسکن (منبع: نگارندگان)

این دسته از آیات اشاره و توجه به مرزبندی قلمرو اعضای خانواده دارد. مرز بین دو حوزه زندگی خانوادگی پدر و مادر و حوزه زندگی فردی فرزندان؛ به عبارت دیگر این مفاهیم در بعد امنیت روانی نمود پیدا می‌کند که برای رسیدن به این مقصود، باید حریم‌ها و سلسله مراتب به درستی رعایت شود. در واقع هدف، رسیدن به راه‌حل معماری و کالبدی، نه راه حل آموزشی در باب ورود به حوزه‌ها در زندگی خصوصی است؛ که به رعایت آداب توصیه می‌کند.

از آنجا که حریمیت خانه به نوعی با نحوه چیدمان فضاها در داخل خانه در ارتباط است، طراحی فضاهای داخلی خانه بایستی به گونه‌ای انجام گیرد که موضوع حریمیت در چهار لایه ذکر شده رعایت شود.

ساماندهی فضا در معماری مسکن اگر به طور مناسبی شکل بگیرد می‌تواند تناسب مکملی فرهنگ ایرانی اسلامی را در ساختار زندگی معاصر جاری سازد (آصفی و ایمانی ۱۳۹۰).

گذر آنی و بدون مقدمه لازم از عنصری به عنصر دیگر در بنا، که عملکرد و کالدهای متمایزی از هم دارند، به واسطه فقدان شرایط روانی و فیزیکی مطلوب و بهینه، موجبات عدم رضایت حریم‌ها و تداخل نامناسب عرصه‌ها یا تکرار نامناسب و ناهنجار ویژگی‌های مشابه و یکسان کالبدی و فضایی در عناصر متفاوت را فراهم می‌آورد.

با توجه به آنچه بیان گشت، مراد از محرمیت در فضای معماری کالبد دادن به فضاست به گونه‌ایی که دارای حریم از دو جنبه کالبدی و معنایی باشد. حریم داشتن در حوزه کالبد فضایی بیشتر متمرکز بر اصولی است که امنیت فضا را شکل خواهند داد و در حیطه معنایی ویژگی‌هایی است که حرمت و ارزش را برای فضای معماری به ارمغان آورد به گونه‌ای که فرد در آن به آرامش برسد. در واقع فضایی را می‌توان فضای محرم دانست که از نظر کالبدی برای استفاده کننده دارای حریم، مصونیت و امنیت بوده و کیفیات فضایی آن به گونه‌ای باشد که آرامش و آسایش فرد را تامین نماید (سیفیان و محمودی ۱۳۸۶).



نمودار ۲- مدل مفهومی محرمیت (منبع نگارنده)

حال در ذیل بر اساس آنچه که مورد واکاوی قرار گرفت، راهکارهای طراحی مسکن از دید محرمیت را بیان می‌کنیم:

جدول ۴- راهکارهای طراحی مسکن از دید محرمیت (منبع: نگارندگان)

تفکیک فضاهای عمومی و خصوصی درون خانه	سلسله مراتب	کالبدی	ر،
اختلاف محیطی بین فضای عمومی؛ نیمه عمومی؛ نیمه خصوصی و خصوصی			
استفاده از فضای میانجی یا مفصل با هدف ایجاد فضای مکث			
ورودی به طور مستقیم و بلاواسطه با فضاها مرتبط نمی‌باشد			
طراحی مسیر یا فضایی مستقل قبل از دسترسی به فضای داخلی طراحی			

طراحی فضایی با هدف ایجاد چرخش در ورودی‌ها	درون گرایی	
طراحی فضای تقسیم (فاصله‌ای میان عرصه عمومی و خصوصی)		
تفکیک مسیر ورود به سمت فضاهاى عمومی و خصوصی		
استفاده از حیاط مرکزی		
نداشتن ارتباط بصری مستقیم فضای خصوصی داخلی با محیط شهری بیرون		
عدم اشراف واحدها به هم		
کنترل ارتفاعات از طریق مداخلات معمارانه		
استفاده از حیاط مرکزی		
استفاده از فضای سبز طبیعی و مصنوعی در کنترل دید و منظر		
استفاده از دیوار سبز		
توجه به قلمرو خصوصی	پیوند با طبیعت	
نحوه اذن ورود گرفتن و چگونگی وارد شدن به خانه		
جدا بودن محل استراحت والدین از فرزندان - اجازه ورود خواستن در سه وقت		
جدا بودن فضای خواب از فضاهاى جمعی و عمومی	اخلاقی	
قرارگیری فضای سرویس بهداشتی به دور از فضای جمعی و عمومی		
ساماندهی اندام‌های ساختمان گرداگرد یک میانسرا		
تقسیم خانه به بخش‌های بیرونی و اندرونی		
نداشتن باز شوهای بیش از اندازه در سر تاسر دیوارها و نمای خارجی		
ارتفاع پنجره‌های رو به خیابان بالاتر از قد رهگذران		
استفاده از شیشه‌های رنگی		
باز نشدن درب خانه‌ها به خیابان‌های اصلی		
رو به رو نبودن درب خانه دو همسایه		
ساخت عناصر داخل خانه با مصالح سنگ و آجر و بتن		
استفاده از مصالح متراکم با هدف ایجاد پوشش صوتی		
استفاده از عایق صوتی در دیوارهای مشترک (جدا کننده)		
	شنیداری	

اسراف و تبذیر حرام است

ابتدا اشاره ای خواهیم داشت به دو واژه اسراف و تبذیر که در فرهنگ اسلامی از آنها به عنوان منهیات یاد می‌شود. اسراف و تبذیر دو واژه ای است که ریشه قرآنی دارد، یعنی پیش از اینکه در احادیث و روایات آمده باشد در قرآن به کرات آمده است. آیاتی که درباره منع اسراف آمده بیش از آیاتی است که درباره مذمت و منع تبذیر آمده است؛ شاید دلیل آن این باشد که انسان بیشتر در معرض اسراف است تا تبذیر؛ زیرا اسراف به معنی تجاوز از حد اعتدال است و تبذیر از ریشه بذر به معنی ضایع کردن و ریخت و پاش است؛ و احتمال اینکه انسان از حد اعتدال خارج شود بسیار است. اما در این نوشتار مقصود از اسراف به معنای اقتصادی آن است. در واقع واژه اسراف به معنای اقتصادی آن تفاوت چندانی با واژه تبذیر که غالباً در امور مالی و اقتصادی به کار برده می‌شود ندارد؛ و تنها ممکن است در جهت تمایز بین این دو واژه گفته شود. به عبارت دیگر در این حالت تبذیر زیر مجموعه اسراف است و اسراف فراگیرتر از آن بوده و در برگیرنده همه موارد می‌باشد.

با جست‌وجو در کتاب وحی الهی، در سوره شعرا، آیات ۱۲۸ تا ۱۳۰^۱، قرآن کریم می‌فرماید: آیا شما برای سرگرم کردن خود (و از یاد خدا غافل مانید) عمارت و کاخ روی مکانی مرتفع می‌سازید؟ و آیا شما با امید زندگی جاودانه در اینجا (عمر ابد) برای خود ساختمان بنا می‌کنید؟ این آیات اشاره به خروج از حد اعتدال و خارج شدن انسان از قوانین و سنن الهی دارد، که باعث فساد برای بشر می‌شود.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۱۰. أَتَبْنُونَ بِكُلِّ رِيعٍ آيَةً تَعْبَثُونَ (۱۲۸) وَ تَتَّخِذُونَ مَصَانِعَ لَعَلَّكُمْ تَخْلَدُونَ (۱۲۹) وَإِذَا بَطَشْتُمْ بَطْشَتُمْ جَبَّارِينَ (۱۳۰)

جدول ۵- تحلیل آیات قرآن کریم از دید پرهیز از اسراف و تجمل گرایی (منبع: نگارندگان)

اسراف	سوره	آیات	مفهوم آیه	برداشت	اصل طراحی
تجمل گرایی	شعرا	۱۲۸	انتقاد قرآن از روحیه عیاشی و کلاخ نشینی	آنچه مورد انتقاد است: هدف‌های نامقدس (کار بیهوده)،	آفات ساختمان چهار چیز است: حرص و اسراف،
		۱۲۹	است؛	خیال‌های واهی (جاودانگی)	تفاخر، خودنمایی و تشخص کالبدی،
		۱۳۰	و نه اصل ساختما سازی	و تجاوز از حد اعتدال است.	بلهوسوسی (آرزو و هوس ظاهر)، دنیا گرایی و غفلت از محتوا

و نیز با تدقیق بیشتر خواهیم دید که قرآن در آیاتی با اسراف برخورد کرده است؛ تا جایی که اسراف را در آیه ۱۴۷ از سوره آل عمران مترادف با گناه شمرده و از آن استغفار می‌کند.

پرهیز از اسراف و تجمل گرایی

با توجه به آنچه در فوق گفته شد، در این نوشتار سعی شده است فضا و کالبد معماری از بعد اسراف و تبذیر مورد نظر قرار گیرد. به عبارت دیگر پرهیز از اسراف و تبذیر به عنوان بعد محتوایی در موضوع قالب و محتوا در معماری اسلامی برای ما دارای اهمیت خاصی است؛ و لذا هر جا که از قالب و کالبد معماری سخن به میان آید، منظور قالبی است که بر محتوای منع از اسراف و تبذیر شکل گرفته باشد؛ و بالعکس قالبی که در آن اسراف و تبذیر به عمل آمده است نمی‌تواند یک الگوی اسلامی باشد. زندگی اسلامی مشخص کننده معماری اسلامی است؛ یعنی دستورها و احکام اسلامی مشخص می‌کند چه قالب و کالبد هندسی را متناسب با اوامر و منهیات که در قالب فقه اسلامی به صورت واجبات و محرمات آمده است انتخاب کنیم. یک اثر مسرفانه نه تنها یک اثر اسلامی نیست بلکه یک عمل غیر اسلامی است که بایستی برای چنین عملی استغفار کنیم (سیفیان ۱۳۷۶).

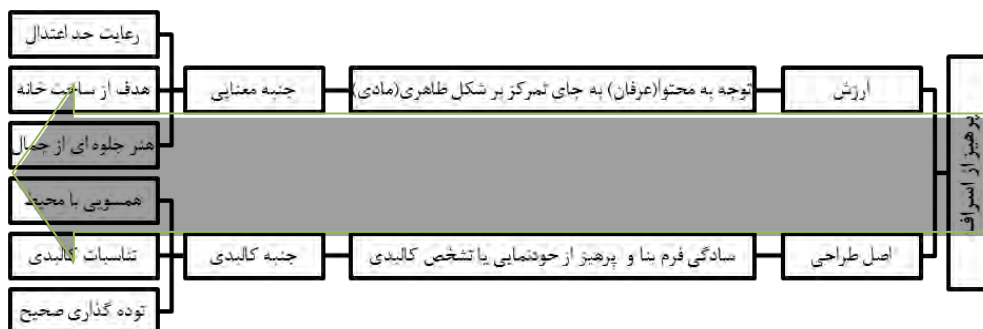
از دیدگاه اسلام هدف از ساخت خانه فراهم آوردن سرپناه در برابر شرایط اقلیمی، صیانت از ایمنی و حریم خصوصی است. این هدف به این معنا نیست که فرد مسلمان بایستی هزینه‌های فراوانی را صرف ساخت

خانه‌های مجلل نماید و سرگرم موضوعاتی مانند تزئینات و فضاهای غیر ضروری شود که در درجه دوم اهمیت قرار دارند (مرتضی ۱۳۸۷، ۱۴۳). از نظر اسلام و لخرجی در این رابطه به معنی تمرکز و توجه فرد به شکل ظاهری به جای محتوا، و جاذبه‌های مادی به جای عرفان می‌باشد (همان، ۱۶۳).

سنت و شریعت ما بر ضد دل‌بستگی بر این نوع زندگی (زندگی تجملاتی) هشدار می‌دهد و تأکید می‌کند که مسلمانان بر سرانجام کارهای نیک با یکدیگر رقابت نکنند (اخوت، الماسی نیا و بمانیان ۱۳۸۹، ۱۷۳).

گرچه، منع خودبینی و لخرجی در رابطه با مسکن، لزوماً به این معنا نیست که انسان بایستی با شرایط رقت بار زندگی کند. در اسلام زیبایی و آراستگی با رعایت تعادل، نه تنها مجاز بلکه واجب نیز اعلام شده است و بدین طریق از هرگونه تلاش به منظور جلوگیری از آنها ممانعت به عمل آورده است. هنر جلوه‌ای از جمال است و جمال و تجمل یعنی زیبایی، و زیباسازی از چیزهایی است که محبوب خدا و مطلوب فرهنگ اسلامی است: "ان الله جمیل و یحب الجمال" که در تفسیر این حدیث به زیبایی خانه‌ها تصریح شده است (حمزه نژاد و صدریان، ۱۳۹۳).

بسیاری از افرادی که دست به کار مسرفانه می‌زنند مخصوصاً در ساخت و سازها و ایجاد فضاهای شهری و معماری، آنچنان غرق در اسرافکاری می‌شوند و آنچنان امر بر آنها مشتبه می‌شود که واقعاً کارشان به نظرشان زیبا می‌آید. اسرافکاری‌های شخص مسرف به علت عدم آگاهی‌های فنی و علمی و دینی و عدم تعهد و التزام عملی به دستورهای اسلامی زیبا جلوه کند. اینجاست که تمیز معماری اسلامی از غیراسلامی برای جامعه بسیار مشکل می‌شود. توصیه می‌شود دانشمندان متعهد و متخصص و کارشناسان امور فنی و معماری، آیات بسیاری را که در قرآن کریم در رابطه با منع اسراف و تبذیر آمده است توجه کنند تا در فضاهایی که به عنوان کالبد معماری ایجاد می‌کنند، قالبی به وجود آورند که مبتنی بر محتوای اسلامی باشد (سیفیان ۱۳۷۶).



نمودار ۳- مدل مفهومی پرهیز از اسراف و تجمل گرایی (منبع: نگارندگان)

حال در ذیل بر اساس آنچه که مورد واکاوی قرار گرفت، راهکارهای طراحی مسکن از دید پرهیز از اسراف و تجمل گرایی را بیان می‌کنیم.

جدول ۶- راهکارهای طراحی مسکن از دید پرهیز از اسراف و تجمل گرایی (منبع: نگارندگان)

رعایت اصول اقلیمی	همسویی با محیط	کالبدی	پرهیز از اسراف
ساماندهی فضاها حول حیاط مرکزی			
توزیع روشنایی طبیعی روز نسبت به قرارگیری فضاهای عمومی			
استفاده از مصالح بومی			
تهویه طبیعی و جریان هوا			
استفاده از گیاهان و درختان			
رعایت توازن و تناسب	تناسبات کالبدی		
به کار بردن مقیاس انسانی در طراحی			
هماهنگی در ابعاد و پرهیز از ریزدانگی			
هماهنگی جزییات و فرم محیط			
وحدت اجزاء	توده گذاری صحیح		
رعایت تعادل و تناسب در وسعت فضاهای خانه نسبت به هم			
تعادل و هماهنگی آرایش فضاها با کاربری بنا			

اضافه نبودن هیچ بخشی از بنا	معنایی	
عدم وجود فضاهای بلا استفاده و متروک		
سادگی و بی پیرایگی		
عدم استفاده از مصالح تجملاتی و گران قیمت		
استفاده از حداقل تزئینات در نمای خارجی		
تعادل و هماهنگی نوع مصالح با کاربری		
طراحی فضاهای خانه برای همه امور زندگی ساکنین		
برآوردن نیازهای معیشتی و معنوی		
وسعت خانه به حد نیاز و کفایت		
سادگی و خوانایی فضا و پرهیز از شلوغی		
زیبایی بصری در ظاهر		
رعایت سادگی در طراحی فضای بیرون و داخل خانه		
عدم تشخیص کالبدی و متمایز نمودن خانه ها	جلوه‌ای از جمال	

۷. نتیجه‌گیری

رهیافت مشخصی که بر پایه مطالعات و بحث و تحلیل این پژوهش برای پیشرفت مطلوبیت معماری مسکن در مسیر تبیین الگوی اسلامی ایرانی می‌توان بیان نمود بدین شرح است که اسلام تاکید بر مهمان‌پذیری خانه، محرمیت خانه و پرهیز از تجمل و اسراف دارد؛ که برای بها دادن به هریک از این اصول و در وصف آنها، گزاره‌های ارزشی نظیر "مهمان حبیب خداست"، "خانه حرم امن است" و "اسراف و تبذیر حرام است" مطرح شده است. سه گزاره ارزشی مطرح نقش بسزایی را در ارتقاء کیفیت مسکن در محدوده مطالعاتی بر عهده دارند و کاربست آنها در معماری معاصر می‌تواند قدمی رو به جلو در تحقق الگوی معماری اصیل اسلامی باشد.

بنابراین پی جوی پاسخ سوال اصلی این نوشتار و برای کندو کاو بهتر، مضامین گزاره‌ها را به صورت سلسله مراتبی مورد تحلیل و بررسی قرار داده و با ترسیم دیاگرام‌های معمارانه و جداول تطبیقی به

روش تحلیلی- استنباطی، مدل مفهومی مبتنی بر دو بعد ارزشی و کالبدی مختص به هر گزاره ترسیم و ارائه شده است؛ در خاتمه نیز با توجه به مدل مفهومی ارائه شده، معیارهایی به عنوان راهکار جهت حضور و ظهور هر یک از گزاره‌های ارزشی مطرح بیان شده است. به عبارت دیگر با استنتاج در گزاره‌های ارزشی و براساس مدل مفهومی مختص به هر گزاره در دو بعد ارزشی و کالبدی، الگوها و راهکارهای طراحی ارائه شده است.

طبق آنچه که بیان گشت برای حضور و ظهور گزاره ارزشی "مهمان حبیب خداست" و اصل مهمان پذیری در بعد کالبدی توجه به معیارهای تفکیک بیرونی و اندرونی، عرصه بندی و انعطاف پذیری فضاها ضروری است. به همین ترتیب برای گزاره ارزشی "خانه حرم امن است" و اصل محرمیت، در بعد کالبدی معیارهای سلسله مراتب، درون گرایی و پیوند با طبیعت شایان توجه است؛ و نیز در باب گزاره ارزشی "اسراف و تبذیر حرام است" و اصل پرهیز از اسراف در بعد کالبدی معیارهایی نظیر همسویی با محیط، تناسبات کالبدی و توده‌گذاری صحیح حائز اهمیت می‌باشند.

همسویی بین گزاره‌ها جهت تدوین راهکارهای پاسخده امری ضروری است. بنابراین الویت بندی به دست آمده نسبت به اصول و گزاره‌های تحقیق در مسکن معاصر نیز باید به کار بسته شود.

در ذیل و نیز در راستای هدف پژوهش پیش رو، ضمن شناخت گزاره‌های ارزشی فرهنگ اسلامی در زمینه مسکن بر مبنای سنت و شریعت، الگوی طراحی معماری، جهت تبیین الگوی اسلامی ایرانی مسکن ارائه شده است. هنگامی که ساختار و کالبد فرم از چندین محتوا به معنای یگانه برسد، آن وقت می‌تواند حافظ اصالت خویش باشد. در این صورت می‌توان گفت: **خانه زنده است و زندگی می‌آفریند.**

منابع

۱. قرآن کریم
۲. اخوت، هانیه، محمد رضا بمانیان، و نینا الماسی فر. ۱۳۸۹. معماری و شهرسازی سنتی در کشورهای اسلامی. تهران: هله / طحان
۳. اردلان، نادر، و لاله بختیار. ۲۰۰۰. حس وحدت، سنت عرفانی در معماری ایرانی. ترجمه حمید شاهرخ. ۱۳۸۰. اصفهان: نشر خاک
۴. آصفی، مازیار، و الناز ایمانی. ۱۳۹۵. باز تعریف الگوهای طراحی مسکن مطلوب ایرانی - اسلامی معاصر با ارزیابی کیفی خانه‌های سنتی. مجله پژوهش‌های معماری اسلامی ۱۱ (۴): ۷۵-۵۶.
۴. آلتمن، ایروین. ۲۰۰۳. محیط و رفتار اجتماعی: خلوت، فضای شخصی، قلمرو و ازدحام. ترجمه علی نمازیان. ۱۳۸۲. تهران: مرکز چاپ و انتشارات دانشگاه شهید بهشتی
۶. الکساندر، کریستوفر. ۱۳۸۹. الگوهای استاندارد در معماری. ترجمه فرشید حسینی. ۱۳۸۹. نشر مهرآزان
۷. پیرنیا، محمدکریم، ۱۳۸۴. آشنایی با معماری اسلامی ایران. تدوین: غلامحسین معماریان. تهران: انتشارات سروش دانش.
۸. حمزه نژاد، مهدی، و زهرا صدریان، ۱۳۹۳. اصول طراحی خانه از منظر اسلامی و الگوهای کاربردی معاصر. پژوهش‌های معماری اسلامی ۴ (۱): ۷۶-۵۸
۹. راپاپورت، آموس، ۱۹۲۹. انسان‌شناسی مسکن. ترجمه خسرو افضلیان. ۱۳۸۳. تهران: حرفه هنرمند
۱۰. راپاپورت، آموس، ۲۰۰۵. فرهنگ، معماری و طراحی. ترجمه ماریا برزگر و مجید یوسف نیا پاشا. ۱۳۹۰. ساری: شفلین
۱۱. سیفیان، محمد کاظم، ۱۳۷۶. اسراف و تبذیر در معماری. هنرهای زیبا ۲ (۱): ۶۰-۶۳
۱۲. سیفیان، محمد کاظم، و محمدرضا محمودی. ۱۳۸۶. محرمت در معماری سنتی ایران. هویت شهر ۱ (۱): ۱۴-۳
۱۳. شولتز، کریستیان نوربرگ، ۱۹۷۱. وجود، فضا و معماری. ترجمه ویدا نوروز برازجانی. ۱۳۹۳. تهران: نقش پرهام

۱۴. مرتضی، هشام، ۱۹۵۹. اصول سنتی ساخت‌وساز در اسلام. ترجمه ابوالفضل مشکینی و کیومرث حبیبی. ۱۳۷۸. تهران: وزارت مسکن و شهرسازی، مرکز مطالعاتی و تحقیقاتی شهرسازی و معماری.
۱۵. معماریان، غلامحسین. ۱۳۸۴. سیری در مبانی نظری معماری. تهران: سروش دانش.
۱۶. ناری قمی، مسعود، و محمد جواد عباس زاده، ۱۳۹۳. مهمان در خانه: یک بررسی تطبیقی میان ایران و غرب در آستانه دوران مدرن. پژوهش‌های معماری اسلامی ۳ (۱): ۹۳-۱۰۹
۱۷. نصر، سیدحسین، ۱۳۷۸. اسلام و اندیشه مدرن. روزنامه اطلاعات، ۴ و ۵ و ۶ مهر
۱۸. نصر، سید حسین، ۱۳۸۴. "مسلمان امروزی و دگرگونی معماری محیط شهری اسلامی". آبادی (۴۸): ۴۶-۴۹

۱۹. نقی زاده، محمد، ۱۳۹۱. تاملی در شناخت مبانی مسکن ایرانی اسلامی. هنر ۱۷۰: ۳۸-۵۵
۲۰. نقی زاده، محمد، ۱۳۹۲. مسکن اسلامی (مبانی نظری تا جلوه‌های عینی در گذشته و حال). دو فصلنامه اندیشه معماری ۲ (۱): ۴۷-۶۷
۲۱. نقی زاده، محمد، ۱۳۹۲. ویژگی‌های کیفی مسکن مطلوب (مبانی طراحی و روش‌های تحصیل آن). صفا ۳۱ (۱۰): ۹۰-۱۰۳
۲۲. نیری فالاح، سیامک، اکرم خلیلی، و محمد تاج‌الدین بن محمد رسدی. ۲۰۱۳. لایه‌های حریمیت در خانه‌های سنتی ایران، نماد الگوی دینی در زندگی خانواده. اولین کنگره بین‌المللی فرهنگ و اندیشه دینی.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

Refrence

1. Holy Quran. 1995. Qom: Dar al-Quran
2. Alexander, Cristopher. 1977. A Pattern Language: Towns, Buildings, Construction. Translated By: Farshid Hoseini. Mehrazan Publications.
3. Altman, Irwin.1975. The Environment and Social Behavior: Privacy, Personal Space, Territory, Crowding. Translated by: Ali Namazian. Tehran: Shahid Beheshti University Publications.
4. Ardalan, Nader and Laleh Bakhtiar. 2000. The Sense of Unity : The Sufi Tradition in Persian Architecture. Translated by: Hamid Shahrokh. Esfahan: Khak Publications.
5. Asefi, Maziar and Elnaz Imani. 2016. Redefining Design Patterns of Islamic Desirable Contemporary Housing through Qualitative Evaluation of Traditional Homes. Journal of research in Islamic architecture (4): 56-75.
6. Hamzenejad, Mahdi and Zahra Sadrian. 2014. Housing design principles of Islam and other contemporary usable patterns. Journal of research in Islamic architecture (1): 58-76.
7. Memarian, Gholam Hossein. 2008. Introduction to Iranian Residential Architecture, Typology of Introverted. Tehran: Soroushdanesh.
8. Mortada, Hisham. 2008. Traditional Islamic Principles of Built Environment. Translated by A. Meshkini, and K. Habibi. Tehran: Architecture and Urban Studies Center.
9. Naghizade, Mohamad. 2000. Quality Characteristics of Housing (Design Bases and their Acquired Methodes). Softe (31): 90-103.
10. Naghizade, Mohamad. 2012. Unerstanding the Bases of Islamic-Iranian Architecture. Honar (170): 38-54.
11. Naghizadeh, Mohamad. 2013. "Iranian housing, the theoretical foundations to objective effects in past and present". Journal of architecture thought (2): 47-67.
12. Nari Ghomi, M and M J Abbaszadeh. 2014. The Guest at Home: a Comparative Study between Iran and the West at the Threshold of Modern Age (Case Study:

Qajar Houses in Tabriz). Journal of research in Islamic architecture (1): 93-109.

13. Nasr. Seyyed Hossein

14. Nasr. Seyyed Hossein.1978. The Contemporary Muslim and the Architectural Transformation of the Islamic Urban Environment.

15. Nayyeri Fallah, Siyamak, Akram Khalili, Mohamad Tajuddin Bin Mohamad Rasdi. 2014. Privacy Layers in Traditional Iranian Houses, Symbol of Religious Thought in Family Life Pattern. 1st International Congress on Culture and Religious Thought. 1040-1049

16. Okhovat, haniye, mohamadreza bemanian and nina almasifar. 2010. Architecture and Traditional urbanization in Islamic countries. Tehran: hele/tahan

17. Pirnia, Mohammad Karim. 2005. Familiar with Islamic Architecture of Iran. Tehran: Soroush Danesh

18. Rapoport, Amos. 2005. Culture, Architecture, and design. Locke science publishing company, Inc, Chicago,USA.

19. Rapoport, Amos. 1969. House Form and Culture. Published by: Prentice-Hall,Inc

20. Seyfian, Mohamadkazem. 1997. Lavish and addictive in architecture. Honare ziba (1): 60-63

21. Seyfian, Mohamadkazemm and Mohamadreza Mahmudi. 2007. Confidentiality in traditional Iranian architecture. City identity (1): 3-14

22. Schulz. Christian Norberg. 1971. Existence, space and architecture. Translated By: Vida Noruz Borazjani. Tehran: Naghsh Parham